

تاریخ ماده تاریخ

بیست و اندی سال پیش از این کتاب ناشناسی در بغداد انتشار یافت که برخی از فضلاء عراق^۱ از روی قرائن مختلفی بدان نام ساختگی «حوادث الجامعه» دادند و آنرا تألیف ابن الفوطی بغدادی مورخ معاصر مغول دانستند.

در آن کتاب جزو حوادث سال ۶۹۴ مرک شیخ سعدی شاعر معروف زبان فارسی را یاد کرده بود، این قول با آنچه پیش از آن در باب تاریخ وفات سعدی ۶۹۱ شناخته شده بود اختلاف داشت.

استاد مرحوم اقبال آشتیانی در صدد برآمد که این تاریخ نو یافته را بر آنچه از پیش معروف تذکره نویسان بود ترجیح بدهد، و مقاله‌ای در این باب نوشت و نقل این کتاب نو یافته را بر روایات دیگران ترجیح داد؛ از جمله دلایل ترجیح وجود چیزی به نام ماده تاریخ را در آن زمان قبول نمیکرد و آنرا از مواردی میدانست که از قرن هشتم هجری بیهوده بر مواد شعر فارسی افزوده شده است.

پیش از اینکه مرحوم اقبال این مقاله را انتشار بدهد در ملاقاتی که با آن مرحوم دست داد نظر او را به امکان وجود ماده تاریخ حتی در قرن پنجم هم جلب کردم و بیش از کنجکاوای درمتون - بر روی اصول - جهت این امکان را با اطلاع آن مرحوم رسانیدم. سرسختی آن مرحوم در نظریاتی که راجع به موضوعات تاریخی اختیار میکرد نظر مرا کأن لم یکن پنداشت تا آنکه مقاله آن مرحوم در یکی از مطبوعات آن روز انتشار یافت.^۲

خامی جوانی وقت تجربه درزندگی مرا برانگیخت که نظر خود را - اما بدون تذکر اختلاف نظری با استاد اقبال - در شفق سرخ یا روزنامه ایران زیر عنوان ماده تاریخ

۱ - دکتر مصطفی جواد اب اسطاس کرملی و شیخ محمد رضای شبیبی .
۲ - درست بیاد ندارم که روزنامه ایران باشفق بود .

انتشار بدهم و يك قسمت از آن در تحت عنوان تاريخ ماده تاريخ انتشار يافت .^۱ اين مناقشه قلمی بدون آنکه کسی متوجه موجبات يا حقيقت امر آن گردد بيست و هفت سال يا کمی بيش وزياد پيش از اين تاريخ انتشار يافت و تاجائی که اطلاع بسيار محدود من در آن روز اجازه ميداد نخستين باری بود که راجع به موضوع ماده تاريخ در زبان فارسی چیزی از روی تحقيق نوشته ميشد .

اينک قریب يك قرن شرقی از آن زمان ميگذرد ، خوشبختانه دامنه مطالعه و بحث و تحقيق در ادبيات فارسی تا جائی بيش رفته که مجله يغمما و مجله دانشکده ادبيات در آن واحد به موازات هم گفتارها و نوشته های دنباله داری در اين باب انتشار می دهند .

من که در اين موضوع سابقه علاقه قدیمی نشان داده بودم از مطالعه آنچه در مجله يغمما انتشار يافت و دیدم بدین نکته باز متوجه شدم که آغاز بحث در باره ماده تاريخ هنوز در گرو توضیحی اساسی باقی مانده است که شاید نویسنده مقاله مجله دانشکده آنرا منظور آورده باشد ولی چون هنوز بنظم نرسیده است یادآوری آنرا برای خوانندگان يغمما بی فايده نمیداند و آنرا بمنزله حاشیه ای بر مقاله مجله يغمما قرار میدهد .

پيش از اينکه ما در صدد بدست آوردن قدیم ترين نمونه های ماده تاريخ در آثار قرن ششم یا هفتم بر آئیم باید باین نکته توجه داشته باشیم که چه پيش آمد تا شعر اعداد سنوات را که سر بجا به صورت ملفوظ آن در شعر نکر میگردند ناگهان بصورت کلماتی در آوردند که از مجموع ارزش عددی حروف ترکیب کنند آنها ، ماده تاريخ بدست آید .

شاید این مطلب نیازمند توضیح زیاد نباشد که قدیم الايام ارقام در زبان فارسی و عربی به دو صورت مختلف در موارد لازم نوشته ميشد ، یکی بصورت ارقام معروف به هندی که بکار رفتن آن شاید از قرن دوم هجری زودتر میسر نشده باشد : ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ الخ . صورت دیگر آن اعداد رقمی عربی یا بجدی است که استعمالی قدیمتر و حوزة عملی وسیع تر داشته است .

لابد همه میدانند که ترتیب الفبا از روی تناسب صورت حروف تازه تر از ترتیب آن بر حسب ارزش تاریخی آنها بوده است. یعنی پیش از آنکه ا ب ت ث ج ح خ د ذ ... برای نمایش اصوات حروف ترتیب معهود را پیدا کند، ترتیب: ا، ب، ج، د، ه، و، ز، ح، ط، ی... الخ، پایه های اصلی اصوات و حروف زبان عربی را تشکیل میداد و هر حرفی واجد دو ارزش جداگانه بود: یکی ارزش صوتی که دلالت بر مخرج حرفی از حروف لغت داشت و دیگری ارزش عددی که از «الف»، تا «ط» مرتبه آحاد و از «ی»، تا «ص» (سقفص) مرتبه عشرات و از «ق»، (قرشت) تا «ظ»، (ضظلع) مرتبه مآت و «غ» عدد هزار را نشان میداد.

حوزه استعمال این حروف عددی در علم نجوم و تقویم تا چند سال پیش از این معلوم و معمول منجمین و کسانی بود که از تقویمهای رومی میتوانستند استفاده کنند. مثلاً سوم و دوازدهم یا بیست و پنجم ماه را «ج» و «یب» و «که» مینوشتند و روز دویست و یازدهم از سال را «ریا» مینوشتند.

پس وقتی میخواستند روز هفدهم از ماه محرم سال دویست و چهل و پنج را بنویسند «یز» محرم از سنه «رمه» ثبت میکردند.

این «رمه» در این جا فقط مفهوم عددی دارد و ابداً مناسبتی بارمه بمعنی که در فارسی ندارد، همان طور که «قلب» و «رند» و «شیب» و «تفو» هم در مقام عدد نویسی به جای «۱۱۲» و «۲۵۴» و «۳۱۲» و «۴۸۶» بکار میرفته و کاری به مفاهیم این الفاظ نداشته است.

شعرا که احیاناً در میان آنها کسانی مانند مسعود سعد و انوری و خاقانی و ظهیر فاریابی و فرید نسوی، شاعر ستاره شناس و ریاضی دان وجود داشته است در برخورد به این کلمات مهمله سه حرفی که مرکب از آحاد و عشرات و مآت بوده اند احیاناً به لفظی بر میخورده اند که ارزش معنوی هم داشته است. مثلاً خاقانی میخواهد از تاریخ اتصال خود بخدمت جمال الدین جواد اصفهانی وزیر اتابک موصل در سال ۵۵۱ سخن بگوید متوجه این معنی میشود که «ث» و «ن» و «ا» یعنی صورت ۵۵۱ همان لفظ «ثنا» می باشد که درخور اصفهان و مردم آن است و آن ثنار ثنار اصفهان میکند.

همانطور که شاعر دیگری وقتی خواسته سال وفات سعدی را از روی اطلاع خود در شعر بیاورد بجای ششصد و نود و يك «خ، ص، ا» سال یا «خاص» گفته است که علاوه بر ارزش رقمی ارزش حرفی و معنوی دارد. مرحوم اقبال که در تاریخ دولت سلجوقی تسلط کامل داشت و احوال ملوک و وزرا و شعرا و علمای آن عصر را نیکو میشناخت برای اینکه نظر مختار خود را در مورد وفات سعدی در ۶۹۴ ثابت بکند از قبول ملاحظه این جانب که نخست بصورت مذاکره ای باو تقدیم شده بود خود داری کرد تا آنکه مقاله من پس از مقاله آن مرحوم انتشار یافت و برخی شواهد نیز بدان پیوسته بود که فعلا دسترسی بدانها ندارم تا عیناً نقل کنم و يك پایه ترجیح روایت عبدالرزاق ابن الفوطی در مورد تعیین سال مرگ سعدی نسبت بسال معروف ۶۹۱ سستی پذیرفت.

چنانکه بیاد دارم مرحوم مجد زاده صهبای کرمانی که گویا در آن تاریخ دبیر تاریخ و جغرافیا بود مقاله ای در تأیید رأی مرحوم اقبال نوشت و مصراع تاریخ از ماده تاریخ معروف وفات سعدی را که سال «خ، ص، ا» شناخته میشد ادعا کرد در روایت معتبری «خ، ص، با» بجای «الف» دیده است ولی در اصل مطلب که وجود ماده تاریخ پیش از قرن هشتم باشد داخل نشد تا بانظر نگارنده مخالفتی کرده باشد.

در میان کلمات سه حرفی که مرگب از «بجد هو ز حط» و «ی کلمن سعفص» و قرشت «تخذظظغ» باشد با رعایت ترتیب که مراتب اعداد در جای خود یاد شود ممکن است صدها کلمه معنی دار فارسی و عربی و ترکی استخراج شود و در صورتی که رعایت ترتیب برهم خورد و جای مراتب عوض شود مثل «خاص» که الف از سوم به دوم آمده است میتوان هزارها کلمه حروفی بدست آورد که خیلی از آنها ممکن است واجد معنی مستقل هم باشد. حال اگر در ماده تاریخ تولد و وفات ابن سینا مثلاً برای «شجع ۳۷۴» و «شصا ۳۹۱» و «تکز ۴۲۷» معنی مستقلی بدست نیاید ممکن است در دهها بلکه صدها مورد دیگر لفظی استنباط و استخراج شود که مفید معنی مستقل باشد.^۱

۱ - این جانب در نتیجه مطالعه روی عدد رقمی «نح ۵۸» سال عمر ابن سینا در برخی از روایات بیهقی و شهرزوری که بصورت «نح» نوشته شده بود یعنی «ح» دم بریده که مدلول «سنه ۵۳» را میرساند در مهر جان ابن سینای بغداد به رفع اختلاف سنواتی راجع به تاریخ تولد و وفات ابن سینا توفیق یافت. (رجوع کنید به مجله بغما سال ۱۳۳۳)

وجود بابی در منتخبات مونس الاحرار بعنوان تواریخ که برخی از سنوات رومی را نیز ذکر کرده نشان میدهد که در قرن هشتم مسأله ماده تاریخکوی وارد قضایای ادبی روز شده بود.

نقل ماده تاریخی مانند «طاب ثراه» برای مرک رشیدالدین فضل الله یا مانند «شاه مرو» برای قوت سلطان سنجر ممکن است در دوره های بعد تنظیم پیدا کرده باشد، ولی «حیف از شاه شجاع» و «خاک مصلی» برای شاه شجاع و حافظ نشان میدهد که پیش از قرن هشتم این موضوع مراحل تقدم خود را پیموده و قابل استفاده برای شعرای تاریخکوی آن قرن شده بود.

نباید فراموش کرد که حروفیه و نقطویه بموازات این ملاحظات عددی و رومی يك رشته تحقیقات و تصوّرات دامنه داری درباره الفاظ متساوی العدد کرده و برای برخی از لفظها معانی خاصی در نظر گرفته بودند که چون از حیث عدد با یکدیگر متساوی بودند ناچار از حیث معنی و مفهوم ارزش مصداق هم باید همانند باشند. از کنجکاری های حروفیان و نقطویان و صوفیان زمینه کشش و کوشش درباره ماده تاریخ توسعه پیدا کرد و شعرائی که مصدرالهام آنها درست معلوم نیست، از عهد تیموری ببعده و بخصوص در روزگار صفویه کوشیده اند ماده تاریخ را با میزان عقیده و علاقه خود درباره اشخاص منظور تطبیق دهند.

برای تسهیل این کار جدول های مفصلی از کلمات و ارزش عددی آنها تنظیم کرده اند که کار انتخاب لفظ را برای شاعر تسهیل کند و حتی الامکان از لفظ مناسب معنی استفاده ببرد.

سال گذشته در یکی از حراج های کتاب تهران مجموعه بزرگی مشتمل بر صدها صفحه دیدم که مؤلفی الفاظ زبان فارسی را مانند کتاب لغت از نظر ارزش عددی تنظیم و تدوین کرده بود.

در کتابخانه مدرسه سپهسالار دفتر بزرگی جزو يك مجموعه شعر و نثر موجود است که در مقیاس محدود تری این وظیفه را میتواند تأمین کند. این ترتیب مانند دفاتر رمزی میماند که برای تلگراف از آن استفاده میکنند.

طاهر نصر آبادی و پسرش بدیع الزمان که ملک الشعراء عهد سلطان حسین بود برای تاریخ عمارت هشت بهشت و مدرسه سلطانی چهار باغ قصایدی بنظم در آورده بودند که همه مصراع‌های آنها ماده تاریخ بوده است .

از عجایب رجال این فن ناطق کاشانی شاعر معاصر فتحعلی شاه بوده که با فتحعلی خان صبا نسبتی داشته است . این مرد قصاید متعددی در تاریخ بناهای زمان فتحعلی شاه در اصفهان و کاشان وقم و طهران بنظم در آورده مشتمل بر ابیات بسیاری که نظیر آن از عهده شاعران عادی ساخته نبوده است .

شاهکار آنها قصیده معجزیه معروفست که نه تنها مصراع آن ماده تاریخ بلکه شماره مصراع‌ها و شماره ابیات آن به عدد ماده تاریخ بنای آستانه معصومه قم میشود . از ماده تاریخ‌های بسیار مناسب زمان ما ماده تاریخی است که دوست سخنور ما مدیر مجله یغما به درخواست وزارت معارف برای تاریخ ساختن کتابخانه ملی از گفتار فردوسی استخراج کرده و بر سر در آن نقش شده است :

میانه‌ای از آموختن یکزمان .

استخراج ماده تاریخ از کلام الله مجید نمونه‌های بسیار بدیمی را به ادبا و شعرا اهدا نموده که ذکر همه آنها بطول می انجامد و امیدوارم در مقاله‌های هر دو مجله شواهد بسیاری از آنها بنظر علاقمندان برسد .

